

ذکر من لدنا لمن اقبل الى المذكور اذ اتى الوعد و ظهر الموعد بسلطان

مبین ...

حضرت بهاء الله

النسخة العربية الأصلية



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی

- شماره ۳۶۰

بسمی المنادی بین الأرض والسّماء

ذکر من لدنا لمن اقبل الى المذكور اذ اتى الوعد و ظهر الموعد بسلطان مبین هذا يوم لا يذكر فيه الا هو يشهد بذلك كتب الله من قبل و من بعد و هذا اللوح العظيم هذا يوم فيه ماج بحر البيان و انار افق العرفان بما استوى مالک القدم على العرش الأعظم و هدرت حماسة البيان على اعلی الأغصان قد اتى المالك و الملك لله المقتدر العليم الحكيم لا يعزب عن علمه من شيء يسمع و يرى و هو السميع البصير

قد حضر كتابك لدى المظلوم و عرضه العبد الحاضر لدى الوجه اجبتاك بآيات اذ نزلت من سماء البرهان خضعت لها كتب الأرض يشهد بذلك من ينطق في كلّ شأن أنه لا اله الا انا العزيز الكريم كن ناطقاً بذكري و متوجّهاً الى انوار وجهي و متمسكاً بحبلي و قائماً على خدمة امری العزيز البديع انا اسمعناك و عرفناك و اريناك و هديناك الى صراطی المستقيم اشكر الله بهذا الفضل الأعظم و قل

لک الحمد يا الهی و سیّدی و سندی بما دعوتنی الیک و سقیتنی كأس الحضور من يد عطائك و جعلتني مقبلاً الى افقک الأعلی اذ اعرض عنه علماء الأرض كلّها اسألك بآياتک الكبرى و بالاسم الذی به جرت سفينة البيان على بحر الأسماء ان تجعلني في كلّ الأحوال ناطقاً بثنائك بين عبادک بحيث لا تمنعني سطوة الفراعنة و لا شوكة الجبابرة انک انت المقتدر على ما تشاء لا اله الا انت القوىّ الغالب القدير

قد اسمعناک آیات ربک بلسان عربیّ مبین و نريد ان نسمعک بلسان عجمیّ بديع اگر عباد ارض بر عظمت يوم و عظمت امر آگاه شوند کل از ما سوى الله منقطع گردند و بحر اعظم که امام وجوه امم ظاهر و هویدا است توجّه نمایند اوهام عباد را از مالک ایام محروم نموده هر حزبی بوهمی متمسک و از انوار نیر یقین محروم و ممنوع هزار و دولست سنه و ازید بلعن و سب یکدیگر مشغول الفت و ایتلاف مفقود و اختلاف مشهود هر حزبی طریقی اخذ نمود و هر قومی سبیلی ترتیب



ORIGINAL

داد ان تعدّوا طرق الأوهام لا تحصوها آیات بشائی نازل که عالم را احاطه کرده و بیّنات اعلامش در لوح رئیس و سور ملوک مرتفع و هویدا اقتدار قلم اعلی و نفوذ کلمه علیا نزد اهل بصر و اصحاب منظر اکبر واضح و مشهود از اول امر این مظلوم وحده من غیر ستر و حجاب بأعلی النداء امرا و وزرا و علما و فقها و حکما کل را بافق اعلی دعوت نمود مع ذلک عباد غافل جاهل متنبّه نشده‌اند و از بحر آگاهی نیاشامیده‌اند از اول ابداع تا حین شبه این ظهور ظاهر نه یشهد بذلک کتب الله المهیمن القیوم لازال این یوم عندالله مخصوص بوده العجب کلّ العجب از غفلت عباد و ظلم من فی البلاد از حقّ میطلبیم عباد خود را از فیوضات یوم جزا محروم نفرماید و از اصغاء کلمه خود و مشاهده افق منع نکند باب عدل را بمفتاح فضل بگشاید و اهل انصاف را ظاهر فرماید و باستقامت کبری مزین نماید که شاید خلق را از جهل نجات دهند و بحق کشانند الأمر بیده يفعل ما یشاء و یحکم ما یرید و هو العزیز الحمید

و نذکر اخاک الذی سمی بمهدی و نبشّره بعنایة الله ربّ العالمین یا مهدی بشنو ندای مظلوم را از اول ایام تا حین در دست اعدا مبتلا وارد شده آنچه که اهل جنّت علیا گریستند و اهل فردوس اعلی نوحه نمودند این مظلوم مقصّر در خاتم انبیا تفکر نما بر آن حضرت وارد شد آنچه که افتدّه مقربین و اکباد مخلصین را گداخت از برای صاحبان سمع یک آیه کافی بوده و هست ما ارسلنا من رسول الا کانوا به یتستزئون در عیسی بن مریم تفکر کن ظلم بمقامی رسید که حقّ جلّ جلاله او را باسّمان چهارم برد بشنو ندای مظلوم را و سمع را از آنچه شنیده‌ئی مقدّس نما و همچنین بصر را و بعد بچشم انصاف و گوش مقدّس ببین و بشنو آیات در هر مقام موجود و بیّنات واضح و مشهود آثارش بمثابه آفتاب لائح و لکن منصفین بمشاهده انوار فائز امروز مکلمّ طور بر عرش ظهور مستوی و ناطق طوبی لمن سمع و رأى و ویل للغافلین

و نذکر فی هذا المقام ضلعک و نسأل الله تعالى ان یؤیّدها و یوفّقها علی الاستقامه علی حبه انه علی کلّ شیء قدير یا امة الله جمیع عالم از برای عرفان جمال قدم از عدم بوجود آمده‌اند و باین یوم مبارک در کتب و زیر و صحف وعده داده شده‌اند علمای ایران در لیلای و ایام بذکر مالک انام مشغول و بر منابر به عجل الله فرجه ناطق و چون عالم بانوار نیر ظهور منور کل بر اعراض قیام نمودند و بالأخره بر سفک دم مطهرش فتوی دادند و تواز فضل و رحمت و عنایتش اقبال نمودی و از ریح حق حبّش آشامیدی قدر این مقام و مبلغ را بدان یعنی نفسی که ترا راه نمود و آگاه فرمود اشکری ربّک و قوی

لک الثناء یا مولی الأسماء و لک البهاء یا مالک العطاء بما هدیتنی الی صراطک و عرفتنی مشرق آیاتک و مطلع بیناتک و سقیتنی کوثر حبّک بأیادی فضلک اسألك ان تکتب لی من قلمک الأعلی ما کتبتّه لامائک اللائی تمسک بعروة احکامک و بحبل اوامرک انک انت الذی شهد بقدرتک لسان العظمة لا اله الا انت المقتدر المهیمن علی ما کان و ما یرکان

انّا لله و انا الیه راجعون